

باسمه تعالی

اولین کارگاه آموزشی و هم اندیشی مدیران و کارشناسان سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی با حضور ریاست محترم سازمان جناب آقای دکتر ملکی تحت عنوان الگوی طراحی فطرت گرایی توحیدی در برنامه ریزی درسی حوزه های تربیت و یادگیری روز پنجشنبه ۱۳۹۹/۳/۸ در مدرسه تاریخی دارالفنون برگزار شد.

در ابتدا آقای دکتر ملکی هدف از برگزاری این کارگاه را آغازی برای حرکت تحولی سازمان در راستای اسناد بالادستی عنوان کردند و فرمودند همه ما هدف مشترکی داریم که برای نزدیک شدن به آن هدف مشترک قصد هم اندیشی داریم. اگر نگاه ما در عرصه تعلیم و تربیت تحولی است باید باور داشته باشیم که تحول به شرط هم اندیشی به مقصد می رسد.

قبل از ورود به مباحث کارگاه آقای دکتر ملکی مطالبی را به عنوان مقدمه علمی مطرح کردند و فرمودند: اینکه برنامه درسی چیست؟ یا چه تعریفی دارد؟ در تاریخ این علم تعاریف متعددی ارائه شده است. صاحب نظران این رشته از زوایای متعدد به برنامه درسی است نگریسته اند.

مجموعه تعاریف برنامه درسی را می توان به سه دسته تقسیم بندی کرد. **دسته اول**؛ برنامه درسی را به مثابه محتوا می دانند در این نگاه برنامه درسی معادل محتوا است که پشت آن هم ایدئولوژی قرار دارد و آن ایدئولوژی معتقد است میراث فرهنگی بشر در دل این رشته های علمی متراکم شده است و ضمن انتقال علم، میراث فرهنگی هم منتقل می شود در این دیدگاه علایق و نیاز دانش آموزان مورد توجه قرار نمی گیرد زیرا اصالت با محتوا و موضوعات است.

دسته دوم برنامه درسی را به مثابه تجربه می دانند که علمدار اصلی آن جان دیویی است. پستوانه ایدئولوژی این نگاه پیشرفت گرایی است آنچه در این نگاه اصالت دارد تجربه است و علم، شناخت حاصل از تعامل فرد با محیط است. این نگاه مورد علاقه شدید پراگماتیست ها است.

دسته سوم از تعاریف برنامه درسی که توسط متأخران ارائه شده است این است که برنامه درسی به مثابه طرح می باشد در واقع آن را طرح یادگیری می دانند و با این تعریف در برابر ایدئولوژی پیشرفت گرایی موضع گرفته اند. در این نگاه معتقدند برنامه درسی نقشه ای برای یادگیری است، برنامه درسی وقتی نقشه شد در داخل خود عناصری دارد که در دیدگاه های متعدد این عناصر متفاوت هستند.

با این مقدمه باید بگویم وقتی از فطرت گرایی توحیدی در برنامه درسی گفتگو می‌کنیم از یک عرفی صحبت می‌کنیم که در تمام برنامه‌های درسی ما باید بروز و ظهور داشته باشند.

در الگوی طراحی برنامه درسی مبتنی بر فطرت که موضوع و عنوان کارگاه اندیشی ما است شناخت‌ها، گرایش‌ها و توانایی‌های فطری دانش‌آموز به عنوان مبنای تصمیم‌گیری در خصوص عناصر برنامه درسی می‌باشند و اهمیت زیادی هم دارند. ساختار الگوی طراحی برنامه درسی مبتنی بر فطرت به مثابه مثلی است که دارای سه ضلع: گرایش فطری، شناخت فطری و توانایی‌های فطری است. در این نگاه برنامه درسی یک مقوله ایدئولوژی محور است فراموش نشود که برنامه درسی ماهیتاً آمیخته به ارزش‌ها و ایدئولوژی محور است برنامه درسی با ایدئولوژی خاصی متولد می‌شود ولی ادامه‌اش با ایدئولوژی‌های متعدد است به همین دلیل ما راست‌قامت و مدلل بیان می‌کنیم که ایدئولوژی دیگری داریم و از برنامه درسی دیگری حرف می‌زنیم ما یک ایدئولوژی و فلسفه معینی داریم که به ما حق می‌دهد از برنامه درسی مبتنی بر آن صحبت کنیم وقتی از فطرت گرایی توحیدی در برنامه درسی حرف می‌زنیم گفتگوی عجیب و غریب نیست بلکه از یک عرفی حرف می‌زنیم که در همه ایدئولوژی‌های برنامه درسی وجود دارد.

برای اینکه برنامه درسی تهیه و تولید کنیم باید کارش در دو سطح انجام گیرد، باید در دو سطح تصمیم‌گیری کنیم تا بتوانیم مدعی شویم که برنامه ریزی درسی می‌کنیم هریک از این دو سطح به هر دلیلی مورد غفلت قرار گیرد کارهای ما ابتر خواهد شد این دو سطح عبارتند از: ۱- سطح عام که ناظر به تصمیم‌گیری در خصوص مبانی ارزشی است. ۲- سطح خاص که ناظر به تصمیم‌گیری تکنیکی و فنی در خصوص برنامه‌ریزی و چگونگی اعمال عناصر برنامه است. این دو سطح در طول هم هستند نه در عرض هم، لذا نوع تصمیم‌گیری در سطح اول بر نوع تصمیم‌گیری در سطح دوم تأثیر مستقیم و بی‌واسطه دارد.

ضرورت تعیین تکلیف شفاف در سطح عام هر برنامه درسی در بردارنده طرحی خاص است که در درون آن نهفته می‌باشد. خواه فرد برنامه‌ریز به طور صریح و آشکار با یکایک عناصر تشکیل دهنده برنامه برخورد کرده باشد و یا این که به طور سطحی تصمیماتی ناسنجیده درباره برخی عوامل برنامه گرفته باشد. دشواری کار یک گروه برنامه‌ریزی درسی در این است که چگونه «همخوانی درونی» در ساختار برنامه درسی ایجاد کند.

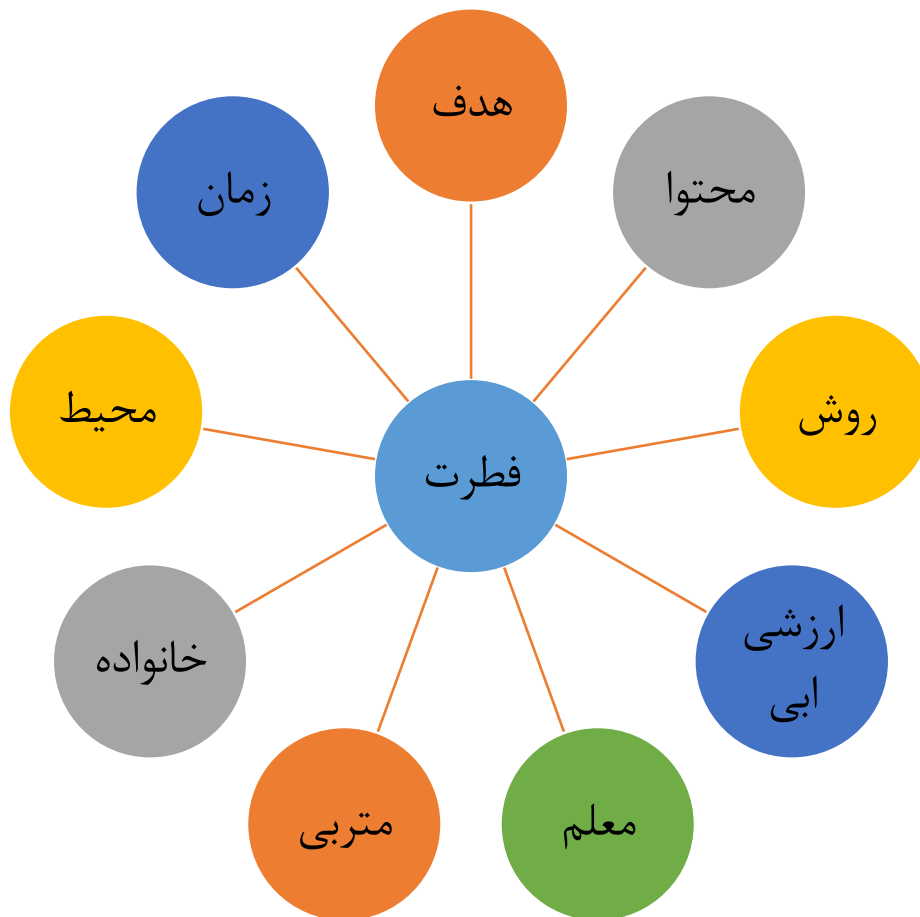
زمانی که برنامه درسی از بالاترین سطح همخوانی برخوردار باشد از بیشترین توان اثرگذاری مطلوب بر دانش‌آموزان برخوردار خواهد بود.

حال سؤال این مطرح می شود که:

- در سطح عام به کدام سؤالات پاسخ داده می شود؟
 - کدام منبع اطلاعاتی در کانون توجه برنامه ریزی قرار می گیرد؟
 - کدام عناصر برنامه درسی و با کدام جهت گیری پذیرفته می شوند؟
 - هریک از عناصر منتخب چه ویژگی هایی خواهند داشت؟
- به لحاظ تاریخی، سه منبع اصلی اطلاعاتی مربوط به امر برنامه ریزی عبارتند از:
- موضوعات درسی مدون، یادگیرنده، جامعه که بنده معتقدم سر منشاء همه منابع فطرت است
- گاهی استفاده ترکیبی از هر سه منبع به منظور دست یابی به یک برنامه درسی متعادل نیز توصیه می شود.

الگوی طراحی برنامه درسی مبتنی بر فطرت

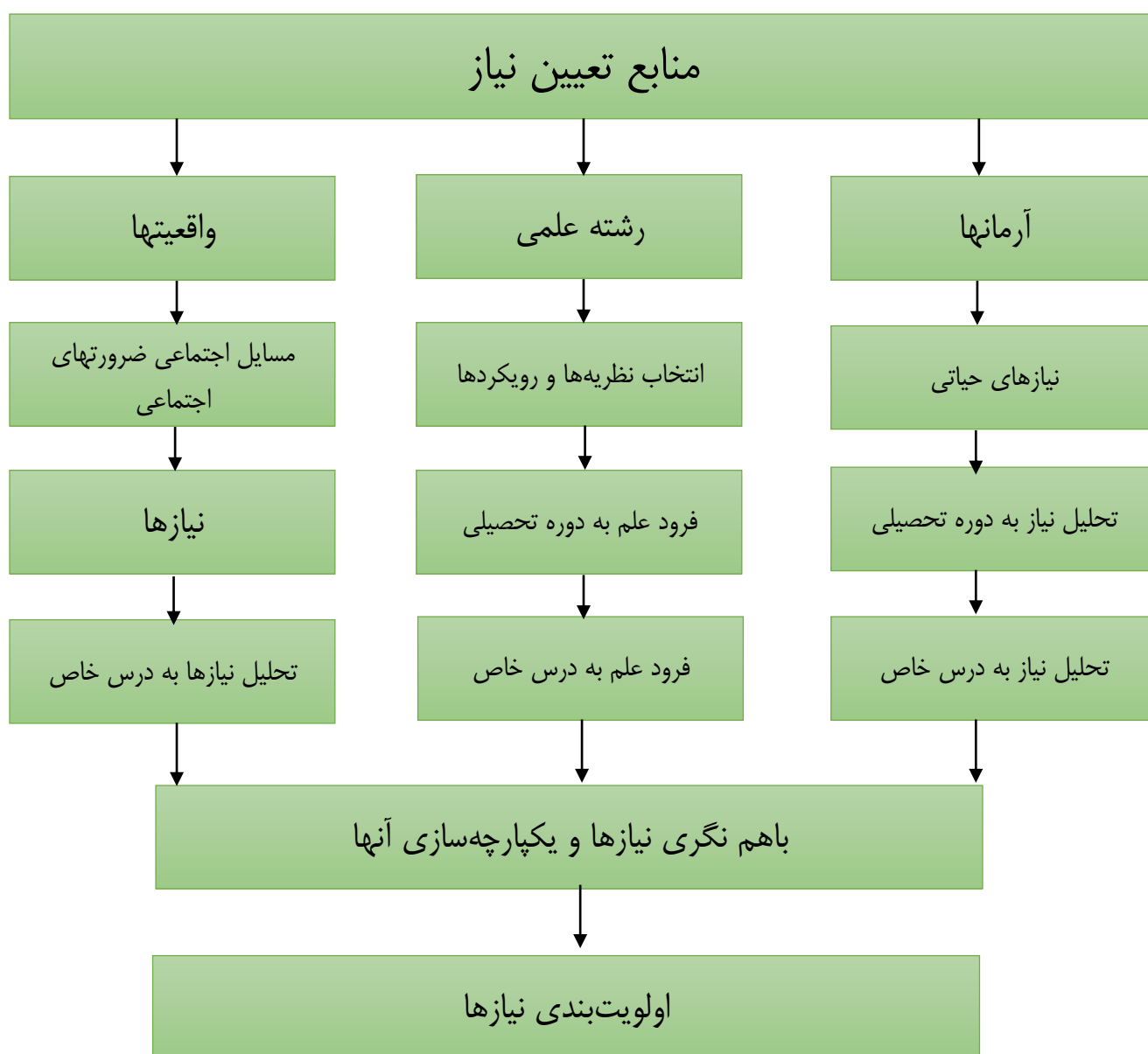
در این الگو، گرایش‌ها، شناخت‌ها و توانایی‌های فطری دانش‌آموز به عنوان مبنای تصمیم‌گیری در خصوص عناصر برنامه درسی انتخاب می‌شود. هر قدر تحلیل دقیق‌تری از فطرت صورت گیرد و عوامل تربیت فطری شناخته شود تدوین برنامه درسی با سهولت بیشتری انجام می‌گیرد.



الگوی نیازسنجی در فطرت‌گرایی توحیدی

- نیازهای فطری و حیانی و نیازهای اجتماعی
- آرمانها و واقعیت‌ها مبنای تعیین نیاز
- باهم‌نگری دو وجه نیاز و یکپارچه‌سازی آنها
- اولویت‌بندی نیازها

الگوی تعیین نیاز در رویکرد فطرت‌گرا



الگوی تعیین هدف

